

میرزا محمد حسین مستوفی

رئیس‌الکتاب

شرحی را که ملاحظه می‌فرمائید پدرم مرحوم مصطفی ساعدلو بنا به درخواست مرحوم مهدی بامداد از خاندان خود فراهم آورد. در آن شرح احوال پدر و نیای خود مرحومان میرزا محمد حسین و میرزا عبدالوهاب رئیس‌الکتاب را بیان کرده است. چون در مجله آینده چند بار نام میرزا محمد حسین رئیس‌الکتاب مستوفی آمده است و هیچ‌کجا شرحی از احوال آنان در دست نیست آن را می‌فرستم که چاپ نمایند.*

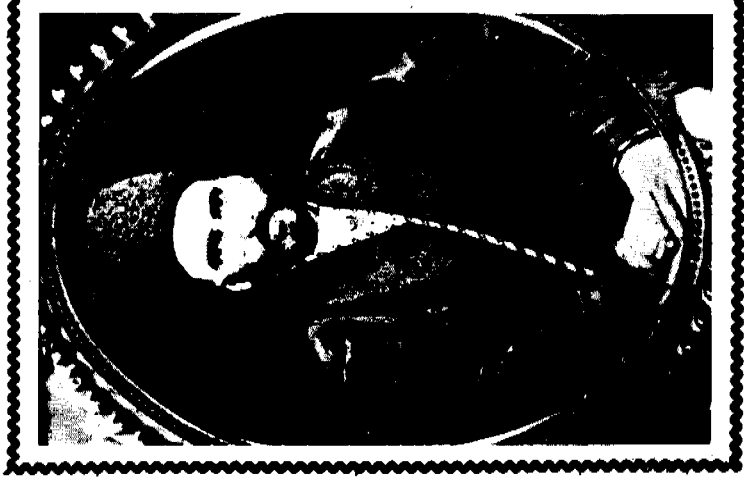
هوشنگ ساعدلو

نیای من میرزا محمد حسین رئیس‌الکتاب خلف شیخ ابوطالب طاب ثراه و او نیز ولد شیخ محمد علیه الرحمه است. شیخ محمد از کمترین مشایخ و قدوه مجتهدین بحرین بوده است و وقتی به عزم زیارت سلطان خطه طوس علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء از بحرین مستقر الرأس خود بیرون آمده و پس از درك شرف زیارت مشهد رضا علیه السلام در معاودت به طهران شاهزاده اعظم نواب دارا عبدالله میرزا که در آن هنگام به ولایت خمسه و زنجان فرمان یافته بود از وی می‌خواهد تا برای ارشاد عباد و فیض خلق در زنجان توطن نماید. شیخ محمد این دعوت را می‌پذیرد و هم در زنجان مقیم می‌شود.

در این وقت از سنین عمر شاهزاده بیش از سیزده سال نگذشته بود که او با تکه‌ای به پستی دو مرد با تدبیر به حکومت قیام می‌کند یکی میرزا محمد تقی علی‌آبادی که با لقب صاحب‌دیوانی به وزارت زوبه زنجان می‌رود و دیگری شیخ محمد که حاکم دینی است و برای ارشاد خلق پای در آن خطه می‌گذارد و هم در آن ملک متوطن می‌شود. فرزند او شیخ ابوطالب بنا بر آنچه که در تذکره گنج شایگان مذکور است مردی بوده است با هنر و در نظم و ثر عربی و فارسی بینظیر که هفت قلم را نیکو می‌نوشت و در صنعت نقاشی و رنگ پردازی و تذهیب و ساعتسازی استاد و هنرمند به نام زمان خود بوده است.

وقتی که بعدها میرزا محمد تقی علی‌آبادی به طهران می‌آید شیخ ابوطالب را هم

* — سفرنامه اجمالی رئیس‌الکتاب از سفر عتبات به همراهی ناصرالدین‌شاه که نسخه خطی آن در دست بود به همراه تجدید چاپ سفرنامه عتبات ناصرالدین‌شاه به چاپ رسیده است. خوانندگان برای کسب اطلاعات بیشتر به آن کتاب که در سال ۱۳۶۳ به نام «سفرنامه عتبات ناصرالدین‌شاه قاجار» چاپ شده است مراجعه نمایند. آینده



میرزا محمد حسین رئیس کتاب



ساری اصلان



میرزا عبدالوهاب رئیس کتاب

به لحاظ اعزاز و احترامی که به پدر وی داشت و به خاطر هنرهای با ارجی که نزد شیخ ابوطالب سراغ کرده بود با خود به طهران می آورد و شیخ از این پس در طهران متوطن می شود اما شیخ عمر دیرپائی نداشت و پس از چندی در طهران در می گذرد و دوپسر از او باقی می ماند یکی میرزا محمدحسین که رئیس الکتاب بعدی باشد و دیگری میرزا محمدحسن و این هر دو ابتدا شهرت بحرانی یا بحرینی داشتند که به اعتبار جایگاه نخستین و مسقط الرأس خود بحرین به آن نام نامیده می شدند.

این دو برادر هرچند که در ابتدا زیر دست پدری هنرمند تربیت یافتند ولی پس از پدر هم میرزا محمد تقی علی آبادی و میرزا طاهر اصفهانی از احفاد شیخ زاهد گیلانی و مؤلف تذکره گنج شایگان متخصص به شعر و نظر به دوستی و و داد و الفتی که با شیخ ابوطالب و پدرش داشتند به تربیت و تعلیم این دو جوان همت گماشتند و آنها را با حسن تربیت تمام از آب و گل در آوردند.

میرزا طاهر اصفهانی نزد علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم تقریبی خاص داشت تا جائیکه شاهزاده همواره او را سمت تقدم و ریاست می داده است. محمدحسین هم به اعتبار این تقرب ابتدا به دارالفنون که ریاستش با خود اعتضادالسلطنه بود راه یافت و سپس وقتی شاهزاده با حسن خط و کمال تربیت محمدحسین آشنا شد چندان وی مقبول نظرش افتاد که کفالت رسائل و احکام وزارت علوم را که وزارتش با خودش بود به او سپرد و هم در آن وزارت تا نیابت آن در عهد خود شاهزاده بالا رفت.

گفتنی آنکه محمدحسین که مقبول نظر شاهزاده افتاده بود به دربار مهد علیاهم که پیشکاری آن با خود شاهزاده بود راه یافت و از زمره خاصان شد. یعنی ابتدا به کتابداری دربار مهد علیا و سپس به کتابداری دربار فرزندش ناصرالدین شاه قاجار سمت یافت و در همین سمت به لقب رئیس الکتابی مفتخر گردید که شأن نزول این لقب بر او به اقتضای این سمت است.

محمد حسین رئیس الکتاب در مقام یادآوری از حسن نظر و حسن تربیت شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه شعری دارد که مبین امتنان و ارادت اوست:

ز حسن تربیت حضرت وزیر علوم مرا نکات صنایع همی شده معلوم
وگر نه بی مدد اهتمام حضرت او به روزگار نه معلوم بودم و معدوم
مقام اصلی و مداوم و ممتد رئیس الکتاب در دارالفنون بوده است که ابتدا سمت احکام نویسی داشته و سپس سالها مستوفی مدرسه بوده و پس از علیقلی خان مخبرالدوله ریاست کتابخانه دارالفنون نیز با او بوده است. و در فرمانی که به نام او صادر شده است. او را معتمدالسلطان میرزا محمدحسین رئیس الکتاب مستوفی نامیده است. یعنی در واقع میرزا محمد حسین رئیس الکتاب اهل دارالفنون است از حدود ۱۲۷۵ یعنی تقریباً از زمان آغاز دارالفنون در آن مدرسه عظمی بوده و سمت داشته تا سال ۱۳۱۵ قمری که سال درگذشت اوست یعنی قریب به ۴۵ سال تمام و پس از او هم فرزندش میرزا عبدالوهاب خان رئیس الکتاب که خود از برکشیدگان دارالفنون بوده است از قبل از زمان فوت پدر تا زمان درگذشت خود شاغل بوده است و مدرس نقاشی و پرده

همیشه چهار رخ افروخته از این سرزمین در معجم هر چه از این
مکتب نیکو از کتب سلیقه‌ها صورت از کتب سلیقه‌ها صورت از کتب سلیقه‌ها صورت

از نظرات کعبیه، زنده نگه داشتن
سعدیه بنگر و معجم و معجم
در جوانی کار با خط در خط در خط

بند از قوس کلام و دفع شیخ کرد
لا بدیم هر شب بهیمنی و دعا
در شهر چهارم در شهر چهارم

در شهر چهارم در شهر چهارم
در شهر چهارم در شهر چهارم
در شهر چهارم در شهر چهارم

صحبتم که هر چه با کس بود و کلام و کلام و کلام و کلام
و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام و کلام
کردن و دانستن و دانستن و دانستن و دانستن

کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش

کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش

کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش

کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش
کوشش و کوشش و کوشش و کوشش



یوسف از غمت
صاحب سر الکلی
سقف افروز
هرایتم
عزیزه سر
بیطرف
من
نخستین
عزیزه سر
بیطرف
من
نخستین

یوسف از غمت
صاحب سر الکلی
سقف افروز
هرایتم
عزیزه سر
بیطرف
من
نخستین
عزیزه سر
بیطرف
من
نخستین

کشی و سیاه قلم بوده است.

میرزا غلامحسین خان افضل‌الملک صاحب افضل‌التواریخ در وقایع سال ۱۳۱۶ قمری می‌نویسد: میرزا محمد حسین رئیس‌الکتاب مستوفی دیوان اعلی که چندی قبل وفات کرد لقب رئیس‌الکتابی و خطاب جنابی و موجب و خدمت آن مرحوم به‌تصویب نیرالملک وزیر علوم به‌میرزا عبدالوهاب خان ولد آن مرحوم که از تربیت یافتگان مدرسه دارالفنون دولتی است مرحمت شد. بیشترین گنجینه خط و کتابت محمدحسین خان رئیس‌الکتاب محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی است. رئیس‌الکتاب مردی بسیار با فرهنگ و ممتاز بود. مردی بود صاحب سفره گسترده و صاحب اخلاق و بسیار مهربان و مؤدب و عادل و صاحب‌دل و در عین حال اهل نظر و اهل دل و مطالعه و مطایبه خوش فهم و باقریحه بود و شعر هم می‌گفت که یکی از شعرهای او در تذکره گنج شایگان ضبط است.

از میان کتب و نوشتجاتی که به‌خط خوش و پخته و مقبول او فراهم است می‌توان از تحریرات زیر نام برد:

- سفرنامه عتبات که همراه فاضل‌الدین شاه قاجار بوده است.
- توزوک تیموری که از کتب مهدعلیا بوده و برای اردشیر میرزا نوشته شده است.
- حدائق‌السحر رشید و طواط که در ذی‌القعدة ۱۲۷۱ قمری تحریر شده و براساس حکم ناصرالدین شاه سمت تحریر یافته است.
- گنج شایگان که در ۱۲۷۲ نوشته شده است.
- تاریخ افغانستان که در ۱۲۷۳ قلم‌زده شده است.
- فلك السعادة از مصنفات شاهزاده علیقلی میرزا که در ۱۲۷۸ سمت تحریر یافته است.

- سفرنامه میرفتاح که علت تحریر آن توسط محمدحسین بحرانی (رئیس‌الکتاب) معلوم نیست.

خانه رئیس‌الکتاب در چاله حصار بوده است. در محل گذر مستوفی که سمت غربی آن سرای مستوفی‌الممالک بود و سمت شرقی خانه باغ رئیس‌الکتاب و میان این دو سرا گذرگاهی بود که میدانی داشت و در آن میدان دو نارون بزرگ و کهنسال بود که همه میدان را مثل چتری می‌پوشاندند و سایه تابستانی خنک و بی‌نظیری داشتند. و از آن محل تا ابتدای چاله حصار که نزدیک بهارگ بود دستگاه ساری اصلان‌ها قرار داشت.

عیال رئیس‌الکتاب از خاندان ساری اصلان خواهر رحمت‌الله خان افشار ساری بود و حاصل این وصلت دو فرزند می‌بود یکی عبدالوهاب خان که رئیس‌الکتاب دوم باشد و دیگری زهرا خانم.

موجب و خانواری رئیس‌الکتاب از محل تیولات کنگاور و اردبیل و مشهد و نیز حقوق دارالفنون و کتابداری سلطنتی فراهم می‌آمد که برخی از آن موجب تا سال ۱۳۵۵ شمسی که از طرف پهلوی اول باز خرید گردید همچنان در حق وارث

دایر بود.

وفات او را فرزندش میرزا عبدالوهابخان در کتابچه یادداشت‌های خانوادگی روز چهارشنبه سلخ شهر شوال سنه ۱۳۱۵ قمری برابر با سوم فروردین ۱۲۷۷ شمسی می‌نویسد که سن او در هنگام وفات قریب به ۷۷ سال بوده است و در شهر قم در مقبره شیخان دفن می‌شود.

و اما رئیس‌الکتاب دوم میرزا عبدالوهابخان عمر دیرپائی نداشت. او درجه سرتیپی داشت و معلم وزارت جنگ و مدرسه دارالفنون بود که در عهد جوانی و سه سال پس از درگذشت پدر در سال ۱۳۱۸ قمری درمی‌گذرد. زوجه‌اش گوهرتاج خانم دختر مرحوم میرزا صادق اماموردی بود و از آنها شش فرزند باقی ماند سه فرزند اناث و سه فرزند مذکور که اکنون همگی آنها سواى کاتب که عنقریب به پیشینگان خواهد پیوست رخ برخاک نهاده‌اند و درگذشته‌اند روانشان شاد باد و خاک برکامشان شیرین باد!

مصطفی ساعدلو

